



نقشی برای آینده رنگی

صفحه ۸

وطن امروز



چشمه‌های چشمی

صفحه ۶

یادداشت روز

این تن بدهکار است

[تقی دزاکام]

یکی از بی‌توجهی‌هایی که معمولاً در ایام انتخابات رخ می‌دهد، این است که بین «شرکت در انتخابات» و «انتخاب اصلح» و حتی



انتخاب افراد «صالح» تفکیک انجام نمی‌شود و این ۲ با هم قاطی می‌شود؛ در حالی که اینجا ۲ مقوله جدا اما به هم وابسته‌اند.

۱- اصل شرکت در انتخابات یک رفتار مدنی و عقلی است که از شعور و دغدغه ناشی می‌شود، فارغ از اینکه چه کسی یا کسانی رای داده شود. فرقی هم نمی‌کند انتخابات ریاست‌جمهوری باشد یا مجلس شورای اسلامی و شورای شهر و خبرگان و حتی انتخابات صنفی و اداری و دانشجویی و... کسی که رای نمی‌دهد عملاً نشان می‌دهد بهتر شدن یا نشدن اوضاع خیلی برایش مهم نیست. او خودش را در حد یک عنصر بی‌فایده پایین آورده است و عددی حساب نمی‌کند. نتیجه این نگاه، نوعی آناشسیسم و هرج‌ومرج است اما کسی که در این عرصه‌ها حضور می‌یابد و رای می‌دهد، نشان می‌دهد برای خودش شخصیتی قائل است و عملاً می‌گوید «من آدمم» و اگر به شما توصیه می‌کند در انتخابات شرکت کنید، می‌خواهد بگوید «شما آدمید!» این رفتار ناشی از «اعتماد به نفس» و عظمت روحی است و فاصله زیادی با افسردگی دارد. بله! ممکن است شما «دل‌زده» باشید اما «دل‌مرده» نباشید؛ ممکن است حتی «عصبانی» باشید اما «افسرده» نباشید. تفاوت این ۲، در همین حضور اجتماعی و استفاده از «حق» و بالاتر از آن عمل به «تکلیف» دینی، ملی یا عقلی خودتان است.

۲- مقوله بعد که موضوعی جداست، انتخاب فرد یا افرادی است که سالم و صالح باشند یا نسبت به بقیه، سلامت و صلاحیت بیشتری داشته باشند. این یک امتیاز جداگانه و البته بالاتر به نسبت اصل شرکت در انتخابات است. شما اگر نمی‌دانی یا نمی‌توانی امتیاز این مرحله را کسب کنی، دلیلی ندارد که از امتیاز بسیار مهم شرکت در این حضور عقلانی و بهره‌گیری از حق تصمیم‌گیری خودت چشم‌پوشی و کنساره‌گیری اما اگر توانستی کمی وقت بگذاری و با عقل و محاسبه به این نتیجه برسی که بین این نامزدها کدامیک دارد پول‌پاشی و توزیع ارزاقی می‌کند، کدامیک دارد وعده سر خرمن می‌دهد، کدامیک دارد وظایف قوه مجریه از قبیل انتخاب مسؤولان ادارات و راهسازی و جاده و مدرسه و بیمارستان را در آن منطقه (که هیچ‌کدام ربطی به نماینده مجلس و قوه مقننه ندارد) به اسم خودش می‌زند یا فاکتور می‌کند، کدامیک سوابق قابل دفاعی ندارد، کدامیک درست ۴ سال یک‌بار در آستانه انتخابات سروکله‌اش در میان مردم و حوزه انتخابیه‌اش پیدا می‌شود و با آنها گرم می‌گیرد و در مجالس‌شان شرکت می‌کند و مواردی از این دست، خب! عقل سلیم اقتضا می‌کند به جای این افراد، سراغ کسی برویم که به جای توجه به یک منطقه، به کل کشور و مصلحت عمومی مردم توجه دارد، فقط به کارش که «فانون‌گذاری» و «ظنارت بر حسن جمع مردم و شنیدن مشکلات‌شان در تمام ۴ سال دوران نمایندگی را فراموش نمی‌کند، شجاع است و به‌به مردم باعث نمی‌شود از تصمیمات مهم کشوری که گاهی با درد و سختی و مشکلات کوتاهمدت همراه است اما شادی و اصلاح درازمدت را در پی دارد، چشم‌پوشی و عرفان پناه برد اما حیف که جبران این همه نعمت، به سکون ممکن نیست... جبران هر کدام از این نعمات را باید به عمل کرد نه به سکون و سکوت و جبران هیچ چیزی را نمی‌کند... نفرت دارم؛ بدجوری هم دارم. من نفس نفرتم، نفس نفی وضع موجودم، و ناچار بایستت نفس قیام هم باشم... وقتی از جای تکان نخوردی، کمترین نتیجه‌اش این است که نجیب می‌مانی مثل پیرزن‌ها!»

اما من مطمئنم اگر امروز جلال بود و گردنه‌های مهم این روزها را می‌دید، می‌گفت: - اگر کنار بنشینم، تماشاچی باشی و از جای تکان نخوری، حتی مثل پیرزن‌ها هم نجیب نمی‌مانی...

«وطن امروز» گزارش می‌دهد؛ تازه‌ترین نظر سنجی‌ها درباره انتخابات ۱۱ اسفند چه می‌گوید

آیا مشارکت از دوره قبل بیشتر می‌شود؟

آمار صعودی مشارکت



صفحه ۲

چرا باید در انتخابات شرکت کرد؟

لزوم هم‌سر نوشتی با جمهوری اسلامی

تحلیل پیش پای خود نمی‌دید. مشاهده رفتار مردم طی چند سال گذشته هم بیان‌کننده آن است که هر میزان روشنفکران تلاش داشته‌اند تا تصاحب اعتراضات مردمی صدای آنان شوند، در این پروژه ناکام مانده و به جای رهبر و پیشرو، نهایتاً در دنباله اعتراضات بغض خود را از جمهوری اسلامی نشان داده‌اند. لذا این نیرو نیز جدای از آنکه کارنامه مثبتی از خود در تاریخ ما به جای گذاشته، هیچ پتانسیلی نیز برای اداره کشور ندارد. با این توصیف باید گفت تنها نیروی منصور در کشور که توانایی انسجام‌بخشی به ایران معاصر و حفظ وحدت و تمامیت ارضی آن را دارد نیروی مذهب و جمهوری اسلامی است. اما این سخن به چه معناست؟ آیا به آن معناست که جمهوری اسلامی عاری از هر نوع بدی و خطایی است؟ اگر دارای اشتباهاتی نیز هست آیا به واسطه آنکه تنها امکان تاریخی ما است باید از آن به هر شکلی دفاع کرد؟ خلاصه سخن در واقع آن است که جمهوری اسلامی تنها امکان تاریخی برای پیش‌پسای ما برای ایرانی ماندن و حفظ تمامیت سرزمینی است، لذا باید با آن هم‌سرنوشت شد. مراد از هم‌سرنوشتی آن است که جمهوری اسلامی چیزی جزئی خارج از جامعه و انسان ایرانی نیست. جمهوری اسلامی مولود و فرزند همه ما و جامعه ایرانی است، لذا اگر عملکرد او در حوزه‌هایی دارای خطاست، باید با او همدلانه همراه شد و فرآیند اصلاح را نه نهایت همین همدلی طی کرد، باید دقت کرد که هیچ راهی برای اصلاح خارج از چارچوب رسمی جمهوری اسلامی وجود ندارد. نهاد انتخابات در سراسر دنیا تنها نهاد اصلاح‌گری است که در درون قدرت رسمی برای اصلاح آن تعبیه شده است. اگر هم‌سرنوشتی با جمهوری اسلامی را به معنای طی کردن فرآیند اصلاح با همدلی و از درون سیستم تفسیر کنیم، تیلور این تفسیر نمود یعنی آن صندوق رأی و انتخابات خواهد بود، لذا پشت کردن به این صندوق با وجود تمام انتقادات موجود، به معنای فرار رفتن از همدلی و هم‌سرنوشتی با جمهوری اسلامی و ندیدن امکان‌های تاریخی پیش پای کشور برای اصلاح آن است.

حاصل همه تلاش‌های این نیروی اجتماعی و تاریخی در کشور ما، خلق انقلاب اسلامی و قدرت حاصل از آن یعنی جمهوری اسلامی است. این نگاهت مدعی آن است که امروز نیروی اجتماعی مذهب تنها نیروی است که پتانسیل انسجام‌بخشی به کشور در ذیل یک قدرت رسمی را دارد. برای اثبات این موضوع باید مقداری اصل قضیه انسجام‌بخشی را توضیح داد. مراد از انسجام‌بخشی در حقیقت همان ملت‌سازی است؛ انسجام‌بخشی گرد آوردن فرد فرد انسان‌ها و هویت‌بخشی به آنان در عرصه جمعی. خلق هویت جمعی به عنوان مولفه‌ای که است که با تمسک به آن یک جامعه خلق شده و به پیش می‌رود. با توجه به مقدمه مذکور این پرسش را می‌توان طرح کرد که کدام نیروی اجتماعی امروز می‌تواند به جامعه ایرانی انسجام‌بخشی کند؟ به عبارت ساده‌تر کدام نیروی اجتماعی پتانسیل این موضوع را دارد که همه مردم ایران را به صورت یکپارچه در ذیل کشوری به نام ایران جمع کرده و قدرت رسمی را در سراسر کشور منتشر سازد؟ فقط نیروی مذهب که نمود عینی آن در عرصه قدرت جمهوری اسلامی است چنان ظرفیتی را دارد. در توضیح بیشتر باید گفت با مطالعه نیروهای اجتماعی تاریخی در کشور، می‌توان به این نکته پی برد که نیروی صعبیت - قومیت امروز دیگر هیچ پتانسیلی برای انسجام‌بخشی به ایران ندارد. این نیرو حتی در موقف و خاستگاه خود نیز تنش‌آفرین بوده و گسست‌هایی را ایجاد کرده است، لذا این توقع که نیروی قومیت، اقدام به ملت‌سازی کند تنها خیالی خام خواهد بود. از طرف دیگر این موضوع با آگاهی زمانه و خودآگاهی انسان ایرانی نیز در تضاد بوده و طبیعتاً نمی‌توان آگاهی انسان ایرانی را به چند قرن پیش بازگرداند.

از نیروی قومیت و صعبیت اگر گذر کنیم، باید گفت نیروی روشنفکری ایرانی نیز در سراسر عالم متشتت شده و دیگر نمی‌توان از نیرویی به نام روشنفکری دفاع کرد. این نیرو به علت ماهیت مصنوعی و دست‌ساز خود، در نهایت سرنوشتی جز

شکل‌گیری دانشگاه و آشنا شدن مردم با مظاهر زندگی غرب و متکثر شدن منابع اطلاعاتی آنان، روشنفکری نیز بدنه مردمی بیشتری برای خود دست و پا کرد. گذشته از موارد پیش گفته، ۲ موضوع دیگر نیز به بیشتر دیده شدن روشنفکری در ایران کمک کرد. نخستین موضوع حزب توده و نهادینه شدن فعالیت‌های روشنفکران در این حزب علیه حکومت پهلوی و موضوع دوم عرضه فرانت روشنفکری دینی در دهه ۴۰ که تا حدودی بدنه اجتماعی را در اختیار آن قرار می‌داد. البته گروه‌هایی از روشنفکران اولیه همچون فروغی، تقی‌زاده و... نیز باز روی کار آمدن رژیم پهلوی با دست‌گناه قدرت رسمی پیوند خورده و تبدیل به روشنفکر محافظه‌کار شدند. هر چند در نهایت با زوال این حکومت، روشنفکر اعتراضی و روشنفکر دینی تنها تبلورهای این سبک از نیروی اجتماعی شد. در دوران پس از انقلاب اسلامی، روشنفکری سنگر کسانی بود که به نوعی قصد مخالفت با نظام اسلامی را داشتند. به عبارت دیگر هر کس خود را در چارچوب جمهوری اسلامی نمی‌دید، نوعی پیوند از گانیک با روشنفکری برقرار می‌کرد. اما واقعیت امروز بویژه پس از اغتشاشات سال ۱۴۰۱ گویای آن است که جامعه معترض به جمهوری اسلامی نیز از روشنفکری عبور کرده و بحران فقدان پایگاه مردمی برای آنان بسیار جدی‌تر از پیش شده است. از همین رو اگر بخواهیم نگاهی به پتانسیل‌های این گروه نیز بیندازیم باید گفت روشنفکری امروز فاقد هر گونه پتانسیل لازم برای انسجام‌بخشی به جامعه ایرانی و طی کردن فرآیند ملت‌سازی است. به عبارت دیگر روشنفکری نه تجربه تاریخی مثبت در این موضوع داشته و نه امروز پتانسیل آن را دارد.

■ **مذهب راه انسجام‌بخشی به جامعه ایرانی**
سومین نیروی تاریخی که ریشه در این مرز و بوم دارد، مذهب است. نیروی مذهب بویژه از قرن ۹ همواره به عنوان بازیگر موثر و فعال در حاشیه، طریق پیوند با استعمار نقشی تأثیرگذار در امر سیاسی ایفا کند. به موازات طی شدن فرآیند تجدد در ایران، گسترش سبک زندگی شهری،

علی عسکری: قوام و دوام هر کشوری در گرو نیروهای اجتماعی آن است. وجود نیروی اجتماعی جدی عامل انسجام و امتداد یک جامعه است. اگر این گزاره‌ها را به



عنوان پیش‌فرض قبول کرده و بخواهیم مبتنی بر آن ادامه دهیم، پیرامون کشور خودمان ایران باید بگوییم ایران معاصر حاصل بازیگری ۳ نیروی اجتماعی است که هر یک در برهه‌های عرصه قدرت رسمی را در اختیار داشته و تجربیات مختلفی را از خود به‌جا گذاشته‌اند. نخستین این نیروهای اجتماعی، صعبیت و قومیت است. به لحاظ تاریخی یکی از پررنگ‌ترین نیروها در ساخت قدرت رسمی کشور ما صعبیت و قومیت بوده است. عرصه سیاست، صحنه نزاع میان اقوام و یکی از مولفه‌های جدی تحولات تاریخی این نیرو بوده است. آخرین حاکمیت موجود در کشور ما مبتنی بر این نیروی تاریخی، حکومت قاجار است. جدای از عملکرد مثبت یا منفی دولتمردان قاجار در اداره کشور، تاریخ آگاهی در کشور ما رو به آن سمتی داشت که ادامه حاکمیت صعبیت و قومیت را بر این نیروی تاریخی، حکومت قاجار از خود عملکرد مثبتی به یادگار می‌گذاشت اما باز در نهایت از میان رفته و عملکرد او در نهایت می‌توانست در حد مسکنی زمانی، مقداری زمان سقوط آن را به تأخیر بیندازد. امروز نیز این نیروی اجتماعی فاقد هر گونه پتانسیل لازم برای انسجام‌بخشی به جامعه ایرانی است. نهایت تقویت این نیروی تاریخی در دوره فعلی، منجر به فعال شدن گسل‌های قومی و تجزیه‌طلبی شده است.

دومین نیروی اجتماعی که کشور ما به خود دید، تجدد است. نیروی تجدد متأثر از رابطه ایران با غرب و به صورتی مصنوعی و غیرطبیعی در کشور ما به وجود آمد، لذا در وهله اول با مساله جدی بدنه مردمی روبه‌رو بوده و تلاش داشت از طریق پیوند با استعمار نقشی تأثیرگذار در امر سیاسی ایفا کند. به موازات طی شدن فرآیند تجدد در ایران، گسترش سبک زندگی شهری،

تیتراهای امروز

حزب‌الله لبنان در یک اقدام راهبردی با پدافند هوایی، پهپاد رژیم صهیونیستی را ساقط کرد

شکار هرمس



آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارشی خلاف واقع مدعی عدم همکاری تهران با آژانس شد

آژانس سیاسی

«وینهایمر» جایزه بهترین فیلم انجمن تهیه‌کنندگان آمریکا را دریافت کرد

مسیر هموار بمب

وزیر راه و شهرسازی خبرداد

ساخت ۴۱۸ هزار

مسکن روستایی

پس از نوبخت، از تاجگردون هم حمایت کرد

بازی بدون توپ

لاریجانی

دومین وزیر صمت دولت موفق به کنترل قیمت خودرو شد؟

ویژاژ در خط گرانی

صفحه ۳

خبر

افزایش ۹۰ درصدی بر خورد با جرائم و مفاسد اقتصادی

رئیس پلیس امنیت اقتصادی فراجا از افزایش ۹۰ درصدی آمار برخورد با جرائم و مفاسد اقتصادی خبر داد. سردار حسین رحیمی، در همایش سراسری پلیس امنیت اقتصادی با تشریح اقدام‌ها و عملکرد ۱۱ ماهه این پلیس گفت: در همه حوزه‌ها و شاخص‌های تعیین‌شده روند رو به رشدی را در مقابله با جرائم و مفاسد اقتصادی شاهد هستیم. وی با اشاره به راه‌اندازی ۸ سامانه با هدف حرکت شستابان به سمت هوشمندسازی پلیس امنیت اقتصادی گفت: از این سامانه‌ها یاری کسب کرد. رحیمی از افزایش ۹۰ درصدی آمار برخورد با جرائم و مفاسد اقتصادی خبر داد و گفت: در بررسی اقدام‌های صورت گرفته با مجاهدت و تلاش همکاران در همه حوزه‌ها و شاخص‌های تعیین‌شده روند رو به رشدی را شاهد هستیم. وی با اشاره به راه‌اندازی قرارگاه مقابله با خودروهای شویی نیز گفت: در سال‌های اخیر وجود پدیده خودروهای شویی مشکلات متعددی را به همراه داشته است، از این جهت با تدبیر فرماندهی فراجا از اواخر آبان‌ماه سال جاری قرارگاه ویژه مبارزه با خودروهای شویی تشکیل شد. از سوی دیگر چون مقابله با قاچاق کالا در سطح عرضه هم جزو مطالبات جدی مردم و مسؤولان بوده و این مهم همواره تبعات امنیتی متعددی را برای جامعه می‌تواند به همراه داشته باشد لذا با اتخاذ تمهیدات لازم و رعایت تمام ملاحظات امنیتی و به منظور جلوگیری از شائبه عدم همکاری پلیس، این طرح از ابتدای بهمن‌ماه در سراسر کشور اجرا و ۷۸۵۷ واحد صنفی بازدید شد. رئیس پلیس امنیت اقتصادی فراجا افزود: بر اساس دستورالعمل فرمانده کل فراجا درباره تمرکز بر قاچاقچیان و مجرمین اقتصادی عمده، کلان و بانندی و با رویکرد پیش‌بینی، پیشگیری، شناسایی و مبارزه همه‌جانبه با قاچاق کالا و ارز و جرائم اقتصادی در تمام عرصه‌ها تعداد ۸۶۶ پرونده کلان پیگیری شد که این رقم در مقایسه با مدت مشابه سال قبل از رشدی ۶۵ درصدی برخوردار است. رحیمی گفت: تلاش ما آن است با قدرت در دفاع از حریم امنیت اقتصادی کشور عزیزمان با اقتدار و چشم‌اندازی روشن گام برداریم و اجازه ندهیم سوداگران و مجرمان و مفسدان اقتصادی برای کسب سودهای پادآورده معیشت مردم و اقتصاد کشور را به چالش بکشند. ما به تأسی از فرمانده خود عهد بسته و هم‌قسم شده‌ایم که امنیت و آرامش خود را فدای امنیت و آرامش مردم کنیم.

سلام وطن
۶۶۴۱۳۹۴۲

در شبکه‌های اجتماعی
@vatanemrooz

پيامک خوانندگان
۱۰۰۰۲۳۳۱